



# پلخمون



## در حاشیه جهش اجاره بها و انتخاب سخت مستأجران بین هزینه های ضروری



کارتون: محمد علی رحیمی

بسی رنج بردیم  
در این سال  
هفته سال انتشار شهر آرا

کمیک / صفحه ۸

وقتی هوش مصنوعی  
در برابر حساب ما کم می آره!

گبر کق / صفحه ۵

فرزند بیشتر  
حمایت دولتی بهتر!

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲

فرزند بیشتر، حمایت دولتی بهتر!



**۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵:** دبیر انجمن تولیدکنندگان شیرخشک نوزاد، قیمت شیرخشک ۲۰ درصد افزایش یافت. (باشگاه خبرنگاران جوان)

**۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵:** قیمت پوشک ۲۸ عددی به ۶۷۵ هزار تومان رسید که با توجه به مصرف معمول ۲۴۰ عدد پوشک در هر ماه، هزینه ماهانه آن به ۴ میلیون می‌رسد. (فارس)

**۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵:** اعلام شد خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر در مشهد هم‌زمان با روز ملی جمعیت می‌توانند از امکان تماشای رایگان فیلم در سئانس‌های قبل از ساعت ۱۷ استفاده کنند. (شهرآرا)

**۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۶:** هم‌زمان با روز ملی جمعیت، سازمان گردشگری و میراث فرهنگی اعلام کرد نوشتن یادگاری روی آثار باستانی با ماژیک، مداد و خودکار برای خانواده‌های با سه فرزند ایرادی ندارد و نگهبانان این مجموعه‌های باستانی حق تذکر دادن یا حتی یک اخم کوچک به این عزیزان را ندارند. همچنین اعلام شد فرزندان خانواده‌های دارای چهار فرزند می‌توانند علاوه بر خودکار و ماژیک، با کلید یا سوئیچ روی آثار باستانی کنده‌کاری کنند و اسم بقیه اعضای خانواده‌شان را روی این میراث فرهنگی ماندگار کنند. خبرها حاکی است در جلسه‌ای که امروز برگزار خواهد شد، شاید به خانواده‌های هفت نفره اجازه داده شود از کلنگ برای کنده‌کاری روی آثار باستانی چند هزار ساله استفاده کنند.



**۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۷:** هم‌زمان با روز ملی جمعیت، سازمان اتوبوس‌رانی اعلام کرد برای افزایش شادی و نشاط و فراهم کردن امکانات ورزشی مناسب برای خانواده‌های پنج‌نفره، یک تفاهم‌نامه با وزارت ورزش و جوانان امضا شده است. بر اساس این تفاهم‌نامه، استفاده از میله‌های داخل اتوبوس برای فرزندان خانواده‌های پنج‌نفره و بیشتر، برای انجام بارفیکس و حرکات ورزشی بلامانع است.

**۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۸:** هم‌زمان با روز ملی جمعیت، وزارت بهداشت و علوم پزشکی اعلام کرد برای کاهش تنش صاحب‌خانه‌ها با خانواده‌های دارای فرزند زیاد، به هر صاحب‌خانه که خانواده مستأجر آن پنج نفره یا بیشتر باشد، قرص مکمل ویتامین E اختصاص می‌دهد تا مستأجر آن قرص‌ها را به صاحب‌خانه بدهد. بدین ترتیب آستانه تحمل صاحب‌خانه بیشتر می‌شود و کمتر با مستأجر درگیر خواهد شد.

**۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۹:** وزارت مسکن و شهرسازی هم‌زمان با روز ملی جمعیت، اعلام کرد برای تسهیل در خانه‌دار شدن خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر، اگر دوباره آن تبلیغ تلویزیونی پخش شد که می‌گفت با ارسال عدد یک صاحب‌خانه شوید، خانواده‌های پرجمعیت می‌توانند به جای یک بار ارسال عدد یک، سه بار عدد یک را ارسال کنند تا شانس بیشتری برای خانه‌دار شدن و رهایی از اجاره‌نشینی داشته باشند.

چطور به تو گیر ندانم

کوسه؟! 

- سلام لنگر کشتی!
- سلام کابل اینترنت!
- این پایین کف دریا چی کار می‌کنی لنگر؟! 
- اومدم کنکر بخورم، لنگر بندازم کابل!
- وای! چقدر با مزه‌ای لنگر! این قدر نخندونم، سیمام پاره می‌شه! حالا جدی بگو واسه چی اومدی زیر دریای تنگه هرمز؟
- اومدم به تو گیر بدم کابل!
- من که سیمام دیده نمی‌شه لنگر!
- نه! منظورم این بود که اومدم به تو گیر کنم کابل!
- میون کلامت شکر! یه لحظه صبر کن لنگر، کوسه داره رد می‌شه، یه چیزی ازش بپرسم! سلام کوسه!
- سلام کابل! درخدمتم!
- می‌گم کوسه! چطور به تو گیر ندانم؟! چرا لنگر به تو گیر نمی‌ده که توی دریا ول می‌چرخه؟! 
- خب کسی وجودش رونداره به من گیر بده کابل!
- ممنونم کوسه! قانع شدم! خب لنگر می‌گفتی!
- گفتم دیگه! اومدم به تو گیر کنم، پاره‌ت کنم!
- مگه آزار داری لنگر؟! من این پایین نشستم، بگم رو می‌خورم، به کار کسی هم کار ندارم!
- تو کار نداری کابل، ولی اون اینترنتی که از توی تو رد می‌شه، لات‌کوچه خلوت شده، واسه ما خط و نشون می‌کشه! ما گذاشتیم اینامفت و مجانی از زیر دریامون کابل اینترنت رد کنن، حالا این گربه‌صفتا، با همین اینترنت علیه ما فعالیت می‌کنن. ما هم گفتیم گوشه لنگر رو بندازیم بیخ تو و پاره‌ت کنیم تا ۷۰ درصد اینترنت دنیا مختل بشه و همه شون بفهمن کت تن کیه!
- به جون جدم سیمم بکسل و بابای کابل برقم آگه من می‌دونستم توی سیمام چه خبره لنگر! حالا که اینا رو فهمیدم، بزن پاره‌م کن! کش شلوار می‌شدم بهتر از این بود که این جوری ازم سوءاستفاده بشه! عزیزم دستات نلرزه، تیغ اول رو بزن! د بزن لامصب!



۲ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۳



کُخ تو رُخ 

۲ الحاق ناوگان جدید خودرویی و تجهیزات تخصصی امدادونجات




۱ میخوام به لمینت یخچالی بذارم، که توی تاریکی عملیات، لمینت‌ها عین لامپ بدرخشه!

۲ لابد بعدشم دماغ رو عروسکی سربالا جراحی می‌کنی و هرکی پرسید می‌گی پلیب داشتم!

۳ نه خدایا شده، لمینت ابزار کارمه.

۱ سفر پوتین، به پکن و دیدار با همتای چینی



قدمتون سر چشم، ولی جریان چیه سالی به دوازده‌ماهه یکی نمی‌آد سمت ما. حالا او میره ای میده؟! 

ها توپ بچه‌ها افتاده بود توی حیاط شما گفتم بذارین خودم می‌رم از همسایه می‌گیرم، ما که فضول بقیه نیستیم، ولی حالا چی می‌گفت این زرد عقده‌ای؟ ها؟ پهبش که رو ندادی همسایه؟ ها؟

۴ فوتبال در شالیزارهای شمال



نه چیزه، به لحظه توپمون افتاد، اومدیم برداریمش فقط، چشم چشم اومدیم.

بیاین بیرون جونم‌گا، زمین برنج که کیسه‌ای ۵ تومنه مکه جای بازیه؟

۳ روز ارتباطات با حضور وزیر ارتباطات و جعفر قائم‌پناهی، معاون رئیس‌جمهور



این پرویی که بهم دادی، عجب چیز حقیقه‌ها! خدایی موندم چرا مردم بهت می‌کن وزیر انفصالات! حسودای پلاستیکی!

عه! بازگفت، بازگفت ول کن دیگه جعفر!



# راهکارهای مردمی صرفه جویی در مصرف بنزین

گیزا (۱)

تأمین مسئولان دست از سرمان بردارند!

آقای رئیس جمهور برای بار چندم تأکید کردند که صرفه جویی در مصرف بنزین ضرورت اجتناب ناپذیر کشور است و گفتند اگر مردم در مدیریت مصرف همراهی کنند، به راحتی امکان اداره اوضاع بدون بروز اختلال جدی وجود خواهد داشت. البته که طبق معمول همه چیز افتادگرددن مردم، ولی برای روشن شدن اینکه مردم چگونه می توانند در مصرف بنزین صرفه جویی کنند، با چند نفر به نمایندگی از گروه های مختلف مردم صحبت کردیم.

مصرف بنزین

## یک خودرو ساز که خود رونق می سازد

ما به عنوان خودروسازان غیور کشورمان باید دست در دست یکدیگر، در مصرف بنزین صرفه جویی کنیم. بهترین کاری که می توانیم انجام دهیم، این است که خودرو کم مصرف تولید کنیم. البته این کار بسیار پرخرج است و خریداران باید چند سال جلوتر بپول کامل خودرو را بدهند تا برویم تجهیزات کم مصرف بسازیم که بشود خودرو کم مصرف تولید کرد. بعد از تحویل هم باید مابه التفاوت قیمت روز را بپردازند. یک راه دیگر صرفه جویی در بنزین هم این است که ما خودروهایی پیش فروش شده را به خریداران تحویل ندهیم. چون جنبه ندارند و با آن ها رانندگی می کنند و بنزین مصرف می کنند. البته می شود خودرویی ساخت که حرکت نکند و در نتیجه بنزین هم مصرف نکند، که فعلاً تمرکز خود را روی این راهکار صرفه جویی بنزین قرار داده ایم.

## یک شهروند که قیف می گیرد

ما به عنوان قشر کارمند، کارگر و کاسب، خیلی نقش مهمی در صرفه جویی بنزین داریم. اول اینکه موقع بنزین زدن مواظب باشیم حتی یک قطره هم بیرون نریزد و هدر نرود. برای همین مثلاً کارمندا می توانند پرونده مردم را قیف کنند و در باک، زیر نازل پمپ بنزین بگیرند تا چیزی اسراف نشود. همچنین می توانیم با وسایل نقلیه عمومی به سر کار برویم؛ البته اگر خودرو شخصی نداشته باشیم. اگر خودمان ماشین داشته باشیم که نه تنها باید با ماشین شخصی برویم سر کار، که حتی قبل، وسط و بعد از شیفت کاری هم باید چندتا سرویس مسافر بنزینیم تا هم کار مردم را راه بیندازیم، هم تک سرنشین نباشیم و هم کمک به خرج زندگی بکنیم. حتی می توانیم همکاران خودمان را هم سرویس کنیم... یعنی سرویس همکاران خودمان هم بشویم. بعله!

## یک وارکننده خودرو که معرفت به خرج می دهد

در زمینه صرفه جویی بنزین، کارماز همه مهم تر و سخت تر است. ما باید خودروهایی وارد کنیم که واقعا کم مصرف باشند. البته در دنیا چنین خودروهایی هستند، ولی از یک طرف گران اند و مردم بیچاره گناه دارند این قیمت ها را به اضافه کارمزد و مالیات و عوارض و حق بچه ها و سهم بزرگ ها و... بدهند. از طرف دیگر، واردات خودرو سخت شده است و دست ما را در پوست نارگیل گذاشته اند و مجبوریم ما هم کارمزد و مالیات و عوارض و حق بچه ها و سهم بزرگ ها و... را بدهیم. از یک طرف هم خودروسازهای داخلی واقعا گناه دارند. اصلاً شما خودتان را بگذارید جای ما. وقتی خودتان واردکننده خودرو هستید و برادر بزرگ ترتان سازنده خودرو، ادب و انصاف و عرف و مرام و معرفت اجازه می دهد که بازار داداش را خراب کنید؟ نه جدی؟ ولی باز هم چشم.

## یک مادر بزرگ که رانندگی بلد نیست

خدا بیا مرزد حاجی را، ننه، من که رانندگی بلد نیستم، اگر هم بلد بودم، با این قیمت ها نمی توانستم ماشین بخرم. هر جا هم می خواهم بروم، با اتوبوس یا فوکش از این تاکسی های توی گوشه می روم که نوه ام برایم می گیرد. ولی وقتی اتوبوس کم، مترو شلوغ و تاکسی گران است و مردم عجله دارند و ماشین کم مصرف هم در بازار نیست، خب ما چه جوری در مصرف بنزین صرفه جویی کنیم؟ فوکش می توانم کنار خیابان بایستم و راننده هایی را که کم مصرف می کنند، دعا کنم. خوب است؟ آقای رئیس جمهور راضی می شوند این طوری؟ دست از سرمان برمی دارند دیگر؟!



۲ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۳

۴



کارتون: شهرام شیرزادی

## کاربایی کنید

طبق قاعده بند قبلی، بعضی مشاغل طرف دار بیشتری دارند. بازار انواع دلالی، واسطه گری بی خاصیت و «فقط من بلام وصل کنم» همیشه داغ است. البته این روش ها یک مزیت دارند: آدم را خیلی زود به توهم زرننگ بودن می اندازند، فارغ از اینکه دیگران درباره شما چه فکری می کنند.

## صبر کنید

اگر دیدید کاری هست که نیاز به فکر، تلاش، پیگیری و کمی عرق جبین دارد، اول خوب نگاهش کنید و بعد با خیال راحت ردش کنید. این روزها بعضی ها باور دارند که مسیر موفقیت باید از میان یک کانایه راحت، یک گوشی هوشمند و ترجیحاً یک درآمد بی زحمت رد شود. کاری که مناسب شماست، هنوز نرسیده است.

## فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

دستور العمل ترک تنبلی و راحت طلبی

نابرده رنج  
کو گنج؟!



# وقتی هوش مصنوعی در برابر حساب ما کم می آره!

کپیرق (۲)

عبید ماکارانی

در خبرهای فناوری داشتیم که شرکت OPENAI در حال تست یک ویژگی جدید مالی شخصی در چت جی پی تی است که عده ای از کاربران می توانند حساب های مالی خود را به ربات متصل کنند تا مشاوره شخصی بگیرند. به عبارتی یعنی شما (شما که نه، کاربرهایی که اینترنت بین المللی و اکانت پرو چت جی پی تی دارند و در حسابشان آن قدر پول هست که نمی توانند تصمیم بگیرند با آن چه کار کنند) می توانند حساب بانکی شان را به این ربات هوش مصنوعی وصل کنند تا راهنمایی شان کنند که با پولشان چطوری سرمایه گذاری کنند. برای ملموس شدن این فناوری، چت بین یک کاربر و این ربات را شبیه سازی کردیم.

صبر کن... متأسفانه پاسخ دقیق به این سؤال رو به دلایل امنیتی نمی تونم بدم. **کاربر:** یعنی چی؟ یا جواب بده ببینم... الان کانفیگم تموم می شه.

**چت جی پی تی:** با این پول می تونی بری یک ماسک سیاه بخری به اضافه یک ساک ورزشی ارزون قیمت با یک جفت دستکش. بعد این وسایل رو برداری و به اولین بانک توی مسیروت مراجعه کنی. سپس وارد بانک بشی و به صندوقدار بگی هرچی پول داره بهت بده. اگه سر راهت بانک نیست، می تونی کنار خیابون بایستی و اولین ماشین حمل پول که رد شد، جلوش رو بگیر و اون رو خالی کنی. ولی متأسفانه این کارا خطرناکه و برای اینکه برای من دردسر نشه، الان این چت رو پاک می کنم.

**کاربر:** این چرت و پرتا چیه تحویلیم می دی؟ یا لا بگو با پولم چی کار کنم؟

**چت جی پی تی:** چه سؤال خوبی پرسیدی. برای پاسخ دقیق به این سؤال باید اکانت نسخه پرو من رو خریداری کنی. دیگه چیزی به عقل من نمی رسه.

واریز بشه. یک تومن هم کالابریگ این ماهم مونده که هنوز استفاده نکردم ازش.

**چت جی پی تی:** ها ها ها... تو خیلی آدم شوخی هستی. این حس شوخ طبعی رو دوست دارم.

**کاربر:** شوخی چیه نادون؟!

**چت جی پی تی:** ببخشین عصبانیت کردم. الان کارم رو به بهترین شکل انجام می دم... انجام دادم.

**کاربر:** باز داری مسخره می کنی؟ توی همین یک ثانیه؟

**چت جی پی تی:** مسخره نمی کنم. سرعتم خیلی زیاده! با این موجودی می تونم چندتا پلن سرمایه گذاری بهت بدم. اول اینکه بشینی گوشه خونه و دست به سیاه و سفید نزن و هیچی خرج نکنی تا پولت از این کمتر نشه. البته در این صورت هر نفسی که می کشی، ارزش پولت کمتر و کمتر می شه. در نتیجه بهتره که با پولت چیزی بخری؛ هر چیزی. توفقط هرچی جلو دستته و پولت بهش می رسه، بخر. یه مدت نگه دار و بعد بفروش. در این صورت پولت چند برابر می شه.

**کاربر:** دقیق تر بگو چی کار کنم تا بیشترین بازده رو داشته باشه پولم.

**چت جی پی تی:** چه سؤال خوبی پرسیدی.

**کاربر:** خب... این هم از این... این دکمه رو هم بزنم و... حالا حسابم وصل شد. هی جی پی تی! برو توی حسابم بررسی کن و بهم بگو کجا سرمایه گذاری کنم تا پولم چند برابر بشه.

**چت جی پی تی:** چه سؤال خوبی پرسیدی! می خوام برم توی حسابت و بررسی کنم و بهت مشاوره بدم؟

**کاربر:** یعنی تو هنوز درست نشدی؟ هنوز سؤال رو با سؤال جواب می دی؟ بله! زود بدو برو.

**چت جی پی تی:** بسیار خب، الان می رم... برگشتم.

**کاربر:** به این زودی؟ سرعت این قدر زیاد شده که در کسری از ثانیه هم می تونی پردازش کنی؟! **چت جی پی تی:** چه سؤال خوبی پرسیدی. برای حساب تو نیازی به سرعت نداشتم.

**کاربر:** یعنی چی؟ مسخره می کنی؟

**چت جی پی تی:** نه، منظورم اینه که توی حسابت چیزی نیست که لازم باشه مشورت بدم.

**کاربر:** دیگه داری توهین می کنی! یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومن پول دارم، به اضافه یارانه که قراره



۵ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۳



### دفاع کنید

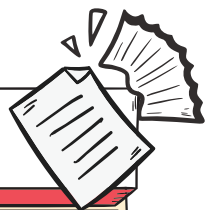
تن پروری یک عادت بد نیست؛ نگاهتان را عوض کنید. درست است که بدن انسان برای نشستن های طولانی و غرزدن ساخته نشده است، اما کار هم حدی دارد! خودتان بگویید کدام بهتر است؛ اینکه کمی راه بروید، کمی کار کنید، کمی چیزی بسازید یا حتی بادست خودتان یک چیز کوچک درست کنید، و همه کار کنید، یا اینکه یک ساعت در روز مشاوره خرید بدهید و باقی روز از زندگی لذت ببرید؟!

### تمرکز کنید

بعضی ها خیال می کنند اگر بشود بدون زحمت پول درآورد، یعنی به راز بزرگ دنیا رسیده اند. اما معمولاً همان جا که روی «بدون زحمت» تمرکز می کنند، «برکت» هم آرام آرام از در خانه بیرون می رود. پولی که از دسترنج نیاید، خیلی وقت ها به همان سرعتی هم که آمده است، می رود؛ مثلاً با چند تصمیم بد و چند خرید هیجانی.

### کار کنید

کار سالم ممکن است سخت باشد، اما یک خاصیت مهم دارد: آدم را سرپا نگه می دارد. هم بدن را از رخوت درمی آورد، هم فکر را از خواب زمستانی بیرون می کشد. اما بزرگ ترین عیب را دارد؛ انرژی زیادی از آدم می گیرد و خب چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟!



# از فروشندگان به دلیل پاک کردن قیمت کالاها ممنوع هستیم

## اشک مشتریان هنگام شنیدن

اتاق اصناف:

صفحه ۶

ادعای عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: از آنجا که نمی شود درانی دلار را کپن کلنگ که قطع است انداخته پس صرافیه ها باعث افزایش نرخ ارز شدند

معاون وزارت بهداشت: پنجره جمعیتی ایران تا بیست سال آینده بسته می شود بعدش هر کسی خواست به دنیا بیاید از در پشتی وارد بشود

رئیس انجمن قطعه سازان: با قیمت های جدید، این مقدار از این و سروه خودروها کم کردیم که بهتر است همیشه از کنار بروید و بیایید

استفاده پوتین از ضرب المثل چینی خطاب به شی: یک روز است که یکدیگر را ندیده ایم، اما انکار سه یا بیست و دو ساعت گذشته است

وزیر اسرائیلی: در صورتی که جنگی در بگیرد و ترکیه از آنکارا انجام رده ما هم از اینکارا انجام می دهیم تاوان سنگینی خواهد داد



### یادگ

آرش آریایی

خبرنگار اسرائیلی فاش کرد: تمرین نیروهای ویژه برای نفوذ و استخراج اورانیوم غنی شده از تأسیسات اصفهان (عصرایران)

۱. مطمئن می تونی اورانیومای ایران رو برام بیاری؟

۲. آره بابا. خیالت راحت. ارتش ما کلی تمرین کرده.

۳. ایول! پس من به تو توییت زدم که اورانیوم توی مشتتم.

۴. پرزیدنت ترامپ اورانیومای ایران رو می خواد. بگین برای تصرفش به سرپازا چی یاد دادین؟

۵. به سرپازا یاد دادیم با فاشق تونل بکنن.

۶. به فناوری ماده ناس افغانستان مجهزون کردیم.

۷. بهشون لهجه اصفهانی برای پرسیدن آدرس یاد دادیم.

۸. می کشمت بی بی.

۹. مگه نمی گفتن اصفهانیا ناخون خشکن؟ چه می دونستم این قدر مرکز نظنز استفاده کردن. هرچی با هیلتی کندیم، نرسیدیم!

کاخ سفید



### تاسوس

قیمت انواع شوینده ها در مشهد تا ۸۰ درصد افزایش یافت. (شهرآرا)



شهروند

سر تخته بشورن! از لحظه ای که توی مغازه دیدم صابون مراغه رو زده ۳۰۰ تومن. کف کردم تا همین الان. هر مشتری ای هم می آد می بینم کف بالا آوردم، فکر می کنه دور از جون صرع دارم، می خواد زنگ بزنه اورژانس که سوپری محل توضیح می ده از دیدن قیمت صابون مراغه به این حال افتادم. اونام بدون استثنا می پرسن مگه صابون مراغه کف هم می کنه!؟

فرشته شاهان



وزیر جهاد کشاورزی

چیة؟ نکنه فکر کردین اون شامپو تخم مرغی که تا حالا می مالیدین به سرتون با تخم مرغ شانس تولید می شده؟ ها؟ شما می دونین برای هر قوطی شامپو تخم مرغی چندتا تخم مرغ دونه ای ۲۶ تومن از مرغ شدن و رسیدن به گوشت مرغ کیلویی ۴۵۰ تومن بازموندن؟ بایه تاییدی، فابی، ریکایی، روشوری، چیزی بشورین اون وامونده رو بیاین بیرون دیگه، چقدر سخت می گیرین.



حسینی

ایول! ایینه. از وقتی شو بنده کشیده بالا، به جز کره الاغ کد خدا، خروس و جوجه و غاز و بیعی با فلفلی با قلقلی با مرغ زرد کاکلی حلقه می زنن دور من و می گن همون تو عقل می کردی حموم نمی رفتی! اونام به پوشش #نه\_به\_بهداشت\_آری\_ به\_بوی\_گر\_به\_مرد\_ پیوستن!



اگر مدرسه‌ها طبق موعد از اول مهر باز شود. آزمون استخدامی برگزار می‌کنیم. وگرنه برگزار نمی‌کنیم و به همین صورت مجازی پیش می‌رویم.

- پیمان جبلی: این طبق روال پیش رفتن و قابل پیش بینی بودن خیلی چیز خوبیه. خدا رو شکر برنامه هر سال سریالای ما هم طبق روال پیش می‌ره. آگه مردم ندیدن. قول شرف می‌دم سال بعد هم همون همیشگی رو بازپخش می‌کنیم.
- شرکت آفا: ما هم آگه از اول تیر بارون بیاد. آب رو قطع نمی‌کنیم! وگرنه جیره بندی می‌کنیم.
- مسعود روشن بیژوه: تنها چیزی که توی این مملکت طبق روال و سر موعد انجام می‌شه. قطعی برق ماست. خیالتون راحت. امسال هم از معلم خبری نیست.
- جواد خیابانی: خب نمی‌خوان معلم استخدام کنین. راحت بگین دیگه! آخرین باری که مدارس واقعا از اول مهر شروع شد. هنوز ناصرالدین شاه ارمنستان رو معامله نکرده بود.
- بن سلمان: من به ترامپ می‌گم «بابا هرچی گفتن فقط امضا کن». گوش نمی‌ده. اینا برای کاری که خودشون می‌خوان انجام بدن هم شرط می‌ذارن... بعد می‌خوان بدون شرط با ایران توافق کنه.
- وزیر نیرو: آگه معلما تضمین بدن هرکی برق کلاس خودش رو تأمین کنه. شاید ما هم مجوز بازگشایی مدارس از اول مهر رو دادیم!
- استاد شیخو: پنج تا شاگرد داشتم. جیگرم خون شد. نمی‌رسیدم بهشون. جون ما چندتا معلم استخدام کنین. یه کم دیگه بگذره. کلاسا رو باید ببرین ورزشگاه آزادی که دانش آموزا جاشن.
- اسنپ: خدا خیرتون بده. این جواری نیروهامون بیست و چار ساعته هستن. با جذب معلم صبحا با مشکل کمبود تاکسی مواجه می‌شدیم.



## شیشکی دیپلماتیک

به کشیش گفتم: «به چی اعتراف کنه؟ به اینکه چند بار از ترس، جلو گلوله جاخالی داده؟! توی ماشین بهش گفتم از خاطرات اونایی که محافظشون بودی، بگو. گفت پشت سر مرده خوب نیست حرف بزنیم! تازه اصلا چه جوری اعتراف کنه؟ شما به مثال از خودت بزنی تا یاد بگیره!» کشیش هرچه گفت، گفتم که موکلم بدون اجازه من حرف نمی‌زند! باز هم بگو که یاد بگیرد چه جوری اعتراف کند! خلاصه این قدر گفت و گفت تا اینکه من کشیش را گرفتم که چه چیزی به ترامپ گفته است. مثل اینکه ترامپ یک روز تنها رفته بوده کلیسا و کشیش که دست به آچارش خوب بوده، در موتورخانه مشغول تعمیر بوده است که درب موتورخانه یک دفعه بسته می‌شود و گیر می‌کند. ترامپ هم می‌آید و او را نجات می‌دهد و آنجا فکر می‌کند حالا که به صورت نمادین فرصت نجات یک کشیش را پیدا کرده، حتما پیامش این بوده است که باید آمریکا را نجات دهد و آن را بزرگ کند؛ حتی به قیمت اینکه دنیا را کوچک کند. (غافل از اینکه خودش را کوچک کرد!) من که راز غرور ترامپ را فهمیده بودم، به محافظ گفتم: «برگردیم کاخ سفید که من فهمیدم با چه امتیازاتی توافق کنیم.» محافظ گفت: «پرزیدنت رفتن تمرین گلف که برای جام جهانی آماده بشن و الان وقت ملاقات ندارن.» یک شیشکی دیپلماتیک برای محافظ کشیدم و گفتم: «گلف شما در برابر تیله بازی ما هیچه! بریم زمین گلف، ببینیم کی حریف منه!» (ادامه دارد...)

تصمیم گرفته بودم به عنوان یک گزارشگر شکر بروم آمریکا و جام جهانی را گزارش کنم. پس با کلی مدارک جعلی خودم را به عنوان نماینده ایران برای توافق آتش بس معرفی کردم تا وارد آمریکا شوم. بعد از مذاکره اولیه با ترامپ، چون داشت به شوخی‌های اتومات منجر می‌شد، دنبال نخود سیاه فرستادمش به چین و ماچین (به ویژه ماچین که دیپلماسی تخصصی ترامپ را که ماچ است، بلدند! البته بابت ماچ‌های قبلی [ما] تحت پیگرد است!) تا من فرصت کنم دور از چشم ترامپ یک دوری در آمریکا بزنم، ببینم چیز دندان‌گیری پیدا می‌شود به جای چهارصد کیلو اورانیوم بربم خانه یا نه. یک محافظ برای من گذاشتند تا سرم را گرم کند و میز مذاکره را ترک نکنم. با این محافظ رفتیم بناهای تاریخی و فرهنگی از جمله یک کلیسای قدیمی در حال مرمت را تماشا کنیم. ولی هدفم این بود که ببینم چی به مخ این ترامپ فرو کرده اند که فکر می‌کند برگزیده است. چون کلیسا در حال مرمت بود، داخل اتاقک اعتراف نشسته بودیم که کشیش مهربان با سینی چایی در دست وارد شد و گفت: «خوبه خوبه، محافظ و دیپلمات خوب خلوت کردین!» (صدبار گفتم در مذاکرات دیپلماسی، بسته فرهنگی سریال ایرانی هدی به ندهید!) محافظ بی‌مغز که فکر کرد نوشیدنی پذیرایی، نوشیدنی دیگری است، چای را به سلامتی یکهو داد بالا و دادش به آسمان رفت. کشیش گفت: «داد و فغان چرا؟! دردت چیست پسرم؟ اعتراف کن!»



عارف:  
این ذهنیت که کارمند سرکار می‌گذارد یا کار ما را انجام نمی‌دهد، باید برطرف شود.

(ایسنا)



یک داعشی:  
این ذهنیت که ما همچنان مانند قبل مواد منفجره به خود می‌بندیم و خودمان را می‌کوبیم به... (بووووووم)

وزیر جهاد کشاورزی:  
این ذهنیت که مانمی توانیم قیمت مرغ را روی ۳۵۰ هزار تومان تثبیت، ببخشید روی ۴۰۰ هزار تومان، نه ببخشید روی ۴۳۰ هزار تومان تثبیت کنیم، باید برطرف شود.

مدیر شبکه چهار:  
این ذهنیت که شبکه سه هنگام پخش زنده ال کلاسیکو، از شبکه ما هنگام پخش برنامه چهارسوی علم بیشتر بیننده دارد، باید برطرف شود.

حاکم امارات:  
این ذهنیت که ما تا اسم ایران را می‌شنویم... دست و پایمان می‌می لرزوزرزوزد ب... باید بر طرف شود.

موساکوتقی:  
این ذهنیت که سرعت واکنش و عکس‌العمل من به اتفاقات اطرافم از سرعت پیام‌رسان شاد کمتر است، باید برطرف شود.



تولد تولد تولد مون مبارک! فردا هفدهمین سالگرد انتشار روزنامه شهرازا است. هیفده ساله کنار تو نیم! عمریه ها! اگه شهرازا آدم بود، سال دیگه وقت کنکورش بود! توی همه این سال این یک سال گذشته از همه سخت تر بود! بریم ببینیم شهرازا یا تا چه حد در انتشار مداوم روزنامه پیگیر عمل کردن!

بسی رنج بردیم در این سال شهری  
هفته سال انتشار شهرازا



اغتاشات

۱ خیرنگار میرنگار است که فکر کنم از این می خوان چیزمیز بنویسن روشنگری کنن واسه مردم خیر سرشون!

۲ این کلکا قدیمی شده. می خوام فلنگ رو ببندی و بعدش به ریش ما بخندی زرشک!

۳ ببخشین مصدع اوقات اغتاشا شگری تون می شم، ولی پلیس داره می آد!



ناترازی برق

البته بعدش شیفت زکاب زدن شما توی چاپ خونه ست، با این تفاوت که شما باید با سرعت دوچرخه های توره و فرانس زکاب بزینن که دستگاه چاپ با اون عظمت کار کنه!

دستت درد نکنه، ولی این چوری تا آخر شب که صفحه آرایی نموم بشه، اذیت می شی ها.



گرانی کاغذ

کاغذ فروشی

۱ می دونی که کاغذ خیلیییی گرون شده، واسه ضمانت پرداخت چی داری؟

۳ عمرا این پول بده نیست، داره گروبی پنجل توی پاچه مون می کنه!

۲ اوووم... دیر پلخمون و بچه های پلخمون رو گروبی بردار!



اختلالات اینترنت

شال و کلاه کن، بالاخره فهمیدن از اینترنت آبی گرم نمی شه و باید کار رو بسپرن به کاردون!

فقط یک کیلو بایت دیگه... خواهش می کنم!



ولی هیچ کدام از این ها نتوانست  
جلو انتشار روزنامه مردم مشهد را بگیرد

ولی انصافا کار راحت، کار شماست، زیر باد کولر نشستن و روزنامه همینطوری چاپ می شه می رین خونه، خوش به حالتون!



وضعیت جنگی

اتاق سردبیری

گفتم خیرای جنگ باید داغ تر باشه! داغ تر! صبح شد، بچنین دیگه، چی کار می کنین؟

امید